

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: علی رضا

تاریخ: ۱۳۹۶/۹/۲۵

بحمد الله امروز نهضت بیداری بخش بازگشت به اسلام، جریان‌های مستقل و مردم‌نهادی را در اقشار و اصناف گوناگون مردم برخی کشورهای مسلمان خصوصاً ایران به راه انداخته، اما سؤال اصلی اینجاست که چرا این جریان‌های آزاداندیشی در میان طبقات حاکم به راه نیفتاده؟ یا اگر به راه افتاده، این قدر بی‌صدا و منفعل است؟

همان طور که مستحضر هستید، گمانه‌زنی‌ها درباره مرگ قریب الوقوع برخی حاکمان کشورهای منطقه بالا گرفته است، تا جایی که برخی از آن‌ها از بدل‌هایی استفاده می‌کنند و یا با مراقبت‌های ویژه و شبانه‌روزی چند روز باقی مانده‌ی عمرشان را سپری می‌کنند. سؤال بنده اینجاست که اولاً آخرین نصایح دفتر جناب منصور هاشمی خراسانی -رهبر جلیل القدر پرچم‌های سیاه مشرق- به این حاکمان چیست؟ ثانیاً دفتر جناب علامه چه پیش‌بینی‌ای از اوضاع اجتماعی و امنیتی برخی کشورها پس از مرگ «بت بزرگ» دارند؟ و به عنوان مورد آخر لطف کنید و بفرمایید که وظیفه مردم پس از مرگ او را چه می‌دانید؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۰/۳

برادر مؤمن و بصیر!

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. گرایش مستضعفان به سوی حق و عدم گرایش مستکبران به سوی آن، پدیده‌ای عادی و تاریخی است که از تفاوت کمی و کیفی موانع شناخت در آن‌ها نشأت می‌گیرد؛

www.alkhorasani.com

بایکاه اطلاع بر سید دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در مبحث «دنیاگرایی» از کتاب شریف «بازگشت به اسلام»^۱، این نکته را تبیین کرده و فرموده است:

«تعلق‌های به دنیا، هر چه بیشتر باشند، شناخت حق را دشوارتر و هر چه کمتر باشند، شناخت آن را آسان‌تر می‌کنند و این واقعیتی محسوس و مجرب است؛ زیرا هنگامی که حق ظهور می‌کند، عادتاً ثروت‌مندان برای ثروت خود و قدرت‌مندان برای قدرت خود و قوم‌مندان برای قوم خود و شهیران برای شهرت خود و وابستگان برای ارباب خود نگران می‌شوند و بدین سان، هر یک با تعلق، از شناخت حق، باز می‌مانند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾^۲؛ «و در هیچ سرزمینی، بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه برخوردارانش گفتند: ما به آنچه برایش فرستاده شدید، کافریم!» از این رو، غالباً فقیران، ضعیفان، بی‌کسان، گمنامان و آزادگان هستند که حق را می‌شناسند و از آن پیروی می‌کنند؛ زیرا آنان را ثروت یا قدرت یا قوم یا شهرت یا اربابی نیست که نگرانشان کند و از این جهات، طبقات پایین جامعه شمرده می‌شوند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بُادِيَ الرَّأْيِ وَمَا تَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾^۳؛ «برخوردارانی از قوم او که کافر شدند گفتند: ما تو را جز انسانی مانند خود نمی‌بینیم و پیروان تو را جز کسانی که فرومایگان ساده لوحان هستند نمی‌بینیم و برای شما فضیلتی بر خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگویان می‌پنداریم» و فرموده است: ﴿قَالُوا اتُّؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾^۴؛ «گفتند: آیا به تو ایمان آوریم، در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟!» و فرموده است: ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ﴾^۵؛ «پس به موسی ایمان نیاوردند مگر جوانانی از قومش با ترسی از فرعون و برخوردارانشان که آنان را شکنجه کنند» و فرموده است: ﴿وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾^۶؛ «این گونه برخی از آنان را با برخی دیگر آزمودیم تا بگویند: آیا این‌ها هستند که خداوند از میان ما بر آنان منت نهاده است؟! آیا خداوند به شاکران داناتر نیست؟!». با این وصف، عجیب نیست که وقتی اسلام ظهور کرد، فقیران مکه آن را پذیرفتند و ثروت‌مندان مکه

۱. ص ۷۷

۲. سبأ/ ۳۴

۳. هود/ ۲۷

۴. الشعراء/ ۱۱۱

۵. یونس/ ۸۳

۶. الانعام/ ۵۳

آن را انکار نمودند، ضعیفان مکه آن را یاری کردند و قدرت‌مندان مکه با آن دشمنی ورزیدند، غریبان مکه به آن پیوستند و قبیله‌داران مکه در برابرش ایستادند، گمنامان مکه به آن روی آوردند و مشاهیر مکه از آن روی گرفتند، آزادگان مکه از آن پیروی کردند و وابستگان مکه از بزرگان‌شان پیروی نمودند؛ همچنانکه به زودی این رویه، به مسلمانان نیز منتقل شد و بر شناخت آنان از اسلام تأثیر گذاشت؛ زیرا آنان به دنبال سلطه یافتن امویان، قرائتی از اسلام را به رسمیت شناختند که تأمین‌کننده‌ی منافع قدرت‌مندان بود و قرائتی دیگر از آن که تأمین‌کننده‌ی منافع مستضعفان بود را بدعت شمردند.

همچنانکه در نامه‌ای روشن‌گر پس از تبیین «عدالت» به مثابه‌ی آرمان پیامبران، نوشته است:

«و بزرگان‌شان در زمین می‌کوشیدند تا پیامبران را از روی آن بردارند؛ زیرا می‌دانستند که خود در جای دیگران نشسته‌اند و اگر تسلیم عدالت گردند، باید از جایی که در آن نشسته‌اند برخیزند و بزرگی را به کسانی واگذارند که خداوند آنان را بزرگ داشته است؛ کسانی که در زمین کوچک شمرده شده‌اند و از دست اینان ستم دیده‌اند! پس هیچ پیامبری از جانب خدا نیامد، مگر آن که بزرگان مردم او را انکار کردند و در برابرش ایستادند تا پیش نیاید؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾^۱؛ «هیچ بیم‌دهنده‌ای را در سرزمینی نفرستادیم مگر آن که بزرگان‌ش گفتند: ما به چیزی که برای آن فرستاده شده‌اید کافریم» و به خدا سوگند چیزی که بیم‌دهندگان برای آن فرستاده شده بودند «عدالت» بود که بزرگان سرزمین‌ها آن را بر نمی‌تاییدند؛ چراکه عدالت همواره به زیان مستکبران و به سود مستضعفان بوده و آن‌ها را پایین و این‌ها را بالا کشیده است!»^۲

اکنون نیز همان قاعده باقی و جاری است؛ چراکه دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مبتنی بر ضرورت و امکان حاکمیت امام مهدی علیه السلام است و این به معنای عدم مشروعیت حاکمان کنونی است و با این وصف، طبیعی است که آن‌ها و کسانی که از سفره‌ی آن‌ها نان می‌خورند، نمی‌توانند آن را تصدیق و حمایت کنند؛ چراکه تصدیق و حمایت آن، به معنای دست شستن از قدرت و ثروت است و این کاری نیست که از شیفتگان قدرت و ثروت ساخته باشد. این است که حاکمان کنونی و کسانی که از سفره‌ی آن‌ها نان می‌خورند، با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی دشمنی می‌کنند، بدون آنکه دلیلی برای این دشمنی جز تأکید او بر ضرورت و امکان حاکمیت امام مهدی علیه السلام و عدم مشروعیت حاکمان کنونی داشته باشند.

۱. سبأ/ ۳۴

۲. نامه‌ی ۱۱



تنها انگیزه‌ی اینان برای دشمنی با او، حفظ نظامشان از زوال و تغییر است، اگرچه این زوال و تغییر لازمه‌ی تحقق حاکمیت امام مهدی علیه السلام باشد؛ چراکه اینان حفظ نظامشان را واجب واجبات می‌دانند و معتقدند که «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیتش بیشتر است»^۱. از این رو، امامی که حاکمیت‌شان را به رسمیت نشناسد و قانون اساسی‌شان را قبول نداشته باشد نمی‌پذیرند، بل خدایی که نظامشان را مشروع نداند و رهبرشان را تأیید نکند نمی‌پرستند و از اینجا دانسته می‌شود که اینان نظامشان را خدا گرفته‌اند و رهبرشان را بت ساخته‌اند، در حالی که با عوام‌فریبی خود را شیعه‌ی اهل بیت می‌شمارند و با ریاکاری شعارهای اسلامی سر می‌دهند! اینان به راستی که در گمراهی دوری هستند و از نفاق در دل‌هایشان رنج می‌برند!

۲. علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به همه‌ی حاکمان مسلمان و کسانی که از سفره‌ی آن‌ها نان می‌خورند - خصوصاً آن‌ها که مرگ را به خود نزدیک می‌یابند - نصیحت می‌کند که از خداوند بترسند و به سوی او توبه کنند و سرزنش مردم را بر عذاب او ترجیح دهند؛ چراکه سرزنش مردم دیری نمی‌پاید، ولی عذاب او پاینده است. پس باید بر روی غرور خود پای بگذارند و به اشتباه خود اقرار کنند و برای اصلاح گذشته بکوشند و از این نیندیشند که مردم آن‌ها را سرزنش خواهند کرد و مسؤول جان‌ها و مال‌های هدر رفته برای ایجاد و حفظ حاکمیت‌شان خواهند دانست؛ چراکه مردم از یک سو به اندازه‌ی آن‌ها مسؤول بوده‌اند و مانند آن‌ها شایسته‌ی سرزنش هستند و از سوی دیگر در آخرت آن‌ها را بیشتر سرزنش خواهند کرد، اگر در دنیا به اشتباه خود اقرار نکنند و برای اصلاح گذشته نکوشند؛ چنانکه خداوند از این خبر داده و فرموده است: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَغْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ «و اگر ظالمان را ببینی که نزد پروردگارشان ایستاده‌اند و برخی به برخی دیگر جواب پس می‌دهند، کسانی که ضعیف داشته شدند به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن می‌بودیم! کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: آیا ما شما را از هدایت مانع شدیم هنگامی که به زندتان آمد؟! بلکه خودتان گناه کار بودید! و کسانی که ضعیف داشته شدند به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: بل توطئه‌ی شبانه‌روزی بود که ما را امر می‌کردید تا به خداوند کافر شویم و برای او شریکانی بگیریم و پشیمانی را پنهان می‌دارند هنگامی که عذاب را می‌بینند

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۳۶۴

۲. سبأ / ۳۱-۳۳

و زنجیرها را بر گردن کسانی که کافر شدند قرار می‌دهیم، آیا جز کاری که انجام می‌دادند را کیفر داده می‌شوند؟!» و فرموده است: **﴿وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنَوْنَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أُمْرِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ﴾**^۱؛ «و همگی بر خداوند عرضه می‌شوند، پس ضعفا به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما چیزی از عذاب خداوند را از ما بر می‌دارید؟! می‌گویند: اگر خداوند ما را هدایت می‌کرد شما را هدایت می‌کردیم، برایمان یکسان است که بی‌تابی کنیم یا تاب آوریم، برایمان راه گریزی نیست» و فرموده است: **﴿وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنَوْنَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ﴾** **﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ﴾**^۲؛ «و چون در آتش با یکدیگر مجادله می‌کنند، پس ضعفا به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما بخشی از آتش را به جای ما بر عهده می‌گیرید؟! کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما همگی در آن هستیم، خداوند میان بندگان حکم کرده است». بنابراین، حاکمان مسلمان و کسانی که از سفره‌ی آن‌ها نان می‌خورند، باید شهامت قبول اشتباه خود و جبران آن را داشته باشند و نباید زندگی ابدی خود در آخرت را فدای احترام و اعتبار چند روزه‌ی خود در دنیا کنند؛ چراکه این احترام و اعتبار حقیقت ندارد و تنها از قدرت و ثروت آن‌ها نشأت گرفته است و به زودی جای خود را به لعنت و براءت می‌دهد؛ چنانکه خداوند از این خبر داده و فرموده است: **﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾** **﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا كَرَّةً فَنَتَّبَرَأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّعُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾**^۳؛ «چون کسانی که پیروی شدند از کسانی که پیروی کردند براءت می‌جویند و عذاب را می‌بینند و دستشان از اسباب کوتاه می‌شود و کسانی که پیروی کردند می‌گویند: کاش برای ما بازگشتی بود تا از آنان براءت جوییم، همان طور که آنان از ما براءت جستند! این گونه خداوند اعمال آنان را حسرت‌هایی بر آنان قرار می‌دهد و آنان از آتش بیرون نخواهند شد» و فرموده است: **﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾** **﴿رَبَّنَا اتِّهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾**^۴؛ «و گویند: پروردگارا! ما از حاکمان و بزرگانمان اطاعت کردیم پس آنان ما را گمراه کردند! پروردگارا! آنان را دو چندان عذاب بده و آنان را لعنت کن لعنتی بزرگ!».

برای خواندن برخی نصایح علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به حاکمان مسلمان و کسانی که از سفره‌ی آن‌ها نان می‌خورند، به نامه‌های ۱۲، ۱۴ و ۱۹ مراجعه کنید.

۱. ابراهیم / ۲۱

۲. غافر / ۴۷ و ۴۸

۳. البقرة / ۱۶۶ و ۱۶۷

۴. الأحزاب / ۶۷ و ۶۸

۳. تا هنگامی که دیو جهل در میان مردم زنده است، مرگ «بت بزرگ» چیزی را تغییر نخواهد داد؛ چراکه بلا فاصله بت دیگری را به جای او خواهند ساخت و نصب خواهند کرد؛ خواه در لباس بت پیشین و خواه در لباسی دیگر. بنابراین، دیو جهل باید بمیرد و بت تراش باید مسلمان شود، تا بت پرستی پایان پذیرد. از این رو، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مشغول مبارزه با جهل از طریق تعلیم و تزکیه‌ی مردم است و به مرگ این بت و آن بت اهمیّت چندانی نمی‌دهد. هر چند مرگ این بت، دست کم این فایده را خواهد داشت که بسیاری از پرستندگان را آگاه خواهد ساخت که او کسی که می‌پنداشتند نبوده است! به علاوه، مرگ این بت خواهد توانست که این نظام مستبد و منحرف را به زوال بکشاند و سبب تعجیل در ظهور امام مهدی علیه السلام شود؛ چراکه نقش این نظام در تأخیر ظهور آن حضرت، بسیار مهمّ و برجسته بوده است؛ با توجّه به آنکه این نظام بیش از هر نظام دیگری در تاریخ اسلام، به حیثیّت، گفتمان و آرمان اهل بیت لطمه زده و فرهنگ، روحیه و اخلاق شیعیان را تخریب کرده و جهل، تقلید، تعصّب، تکبر و خرافه‌گرایی را در میان مردم رواج داده و عرصه را بر امام مهدی علیه السلام و زمینه‌ساز ظهورش تنگ ساخته است. هر چند شاید هنوز فرصت کمی برای اصلاح این نظام باقی مانده باشد، ولی تکبر و تعصّب سران آن تا اندازه‌ای است که بعید به نظر می‌رسد از این فرصت کم استفاده کنند. آن‌ها به راستی که در گمراهی آشکاری هستند.

۴. وظیفه‌ی مردم پیش و پس از مرگ حاکمانشان، یک چیز است و آن زمینه‌سازی برای حاکمیّت امام مهدی علیه السلام از طریق تأمین نیرو و امکانات کافی برای او به جای دیگران است که تنها راه خوشبختی آن‌ها در دنیا و رستگاری آن‌ها در آخرت است و علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی آن دعوت می‌کند.^۱



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ جعفر سبحانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. در این باره، بنگرید به: آشنایی با نهضت.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ جعفر سبحانی حفظه الله تعالی



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک کانال یوتیوب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.